

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نهر په ره روان راه حسپنی در دهه اول محرم الحرام از طرف مسجد امام حسپن به جهت عنا بخشی به فرهنگ و معارف حسپنی برای هما عاشقان حسپنی به رهذه خحرپر در خواهد امد که هامل بخش های مذنوع می باشد همچنپن در پاپان هر هماره مسابقه ای از سخترانی هبب ها طرح شده که با ارائه جواب به دفتر مسجد هر روز به سه نفر به فهد فرعه جوابزی فهدپم خواهد شد برای استفاده بهفر عزپزانی که فذوانسخه اند در سخترانی هرکت کنند مراسم بر روی ساپت مسجد فرار داده مپهشود امپد است موجب رضاپت حضرت ولی عصر ارواحا له الفداء و خوانندگان فرار بگپرد مارا با نظرات سازنده خود پاری فرماپید.

می آیم از رهی که خطرها در او گم است
از هفت منزلی که سفرها در او گم است
از لای لای آتش و خون جمع کرده ام
اوراق مقتلی که خبرها در او گم است
دردی کشیده ام که دلم داغدار اوست
داغی چشیده ام که جگرها در او گم است
با تشنگان چشمه احلی من الصل
نوشم ز شربتی که شکرها در او گم است
این سرخی غروب که همرنگ آتش است
توفان کربلاست که سرها در او گم است
یاقوت و دُر صیرفیان را رها کنید

ماندگاران:

شناسنامه مسلم را، پیش از آن که از نیاکان و سرزمین وقبیلہ جستجو کنیم، باید در فکر، عمل و زندگانی اش بیابیم؛ این بهترین معرف مسلم است. مسلم، در دوران خلافت علی(ع) در خدمت آن حضرت، مدافع حق بود و پس از شهادت آن امام، هرگز از حق که در خاندان او و امامت دو فرزندش، حسنین - علیهما السلام تجسم پیدا کرده بود جدا نشد و عاقبت هم، جان پاکش را بر این آستان فدا کرد.

در دوران امامت دهساله امام حسن مجتبی(ع) که از سخت ترین دوره های تاریخ اسلام نسبت به پیروان اهل بیت و طرفداران حق بود، مسلم با خلوص هر چه تمام در مسیر حق بود و از باوفاترین یاران و از خواص اصحاب امام حسن محسوب می شد. پس از شهادت امام مجتبی(ع) که امامت به حسین بن علی(ع) رسید تا مرگ معاویه که یک دوره دهساله بود باز مسلم را در کنار امام حسین(ع) می بینیم. در این دوره بیست ساله - یعنی از شهادت علی(ع) تا حادثه کربلا بسیاری از کسان یا مرعوب تهدیدها شدند یا مجذوب زر و سیم و فریفته دنیا و صحنه حق را رها کردند و یا به معاویه پیوستند و یا ازوای بی دردسر را برگزیدند، ولی آنان که قلبی سرشار از

ایمان و دلی سوخته در راه حق داشتند و مسلمانی را در صبر و مقاومت و مبارزه در شرایط دشوار می دانستند، امامان حق را تنها نگذاشتند و با زبان و مال و جان و فرزند، به فداکاری در راه خدا و جهاد فی سبیل الله پرداختند. ارزش و فضیلت پیروان حق در آن دوره، بخصوص وقتی آشکارتر می شود که به شرایط دشوار دینداری و حق پرستی در روزگار سلطه امویان آگاه باشیم. ارجمندی و فضیلت و مقام مسلم، در این جاست که برای ما روشنتر می گردد، و همچنان که در فصلهای آینده خواهیم دید، مسلم بن عقیل دست از محبت و ولایت و حمایت امام زمان خویش - حسین بن علی(ع) - برداشت تا این که به عنوان پیشاهنگ نهضت کربلا در کوفه به شهادت رسید و افتخار اولین شهید کاروان عاشورا را به خود اختصاص داد و اولین شهید از اصحاب امام حسین بود. از اولاد عقیل که به همراهی حسین بن علی(ع) و در رکاب او قیام کردند، تعداد ۹ نفر، به شهادت رسیدند، که مسلم شجاع ترین آنان بود. این فضیلت بزرگ، از زبان پیامبر اسلام هم بیان شده است. حضرت علی(ع) از پیامبر اسلام حدیثی را در مدح «عقیل» نقل می کند که آن حضرت فرمودند: «من او را (عقیل را) به دو جهت دوست دارم: یکی، به خاطر خودش، و یکی هم به خاطر این که پدرش ابوطالب او را دوست

این است آن شبی که سحرها در او گم است می داشت.» و در آخر،
خطاب به علی (ع) فرمود:

«فرزند او - مسلم کشته راه محبت فرزند تو خواهد شد.
چشم مؤمنان بر او اشک می ریزد و فرشتگان مقرب
پروردگار بر او درود می فرستند.» آن گاه پیامبر اسلام
گریست تا آن که اشکهایش بر سینه اش ریخت و فرمود:
«به سوی خدا شکایت می برم، از آنچه که خاندانم پس از
من می بینند.» ۳.

حمایتهای این خانواده از اهل حق موقعیت و اعتباری خاص
برای آنان فراهم کرده بود و فضایلشان همواره مورد تقدیر
امامان (ع) قرار داشت. امام سجاد - علیه السلام نسبت به
خاندان عقیل عطف و محبت بیشتری از دیگران نشان
می داد و می فرمود: من هر گاه خاطره آن روزی را که اینان
با حسین - علیه السلام بودند به یاد می آورم، اندوهگین
می شوم.

در در صدف

رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام):
«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي
سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَاسًا مِنْ فَضُولِ الْحَطَامِ وَ لَكِنْ
لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَ نَظْهِرِ الْأَصْلَاحِ فِي
بِلَادِكَ وَ يَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ يَعْمَلُ
بِفِرَائِضِكَ وَ سُنَنِكَ وَ أَحْكَامِكَ.»:

در باره فلسفه قیامش فرمود: بار خدایا! تو می دانی که آنچه
از ما اظهار شده ری رقابت در قدرت و دستیابی به کالی
دنیا نیست؛ بلکه هدف ما اس است که نشانه هی دینت را
به جی خود برگردانم و بلادت را اصلاح بمایم یا ستمدیدگان
از بندگانت امنیت یابند و به واجبات و سننها و دستورهای
دینت عمل شود.

درس های کربلا

آزادگی:

در پیچ و خمها و فراز و نشیبهای زندگی، گاهی صحنههایی
پیش می آید که انسانها به خاطر رسیدن به دنیا یا حفظ آنچه
دارند یا تامین تمنیات و خواستهها یا چند روز زنده ماندن، هر
گونه حقارت و اسارت را می پذیرد. اما احرار و آزادگان، گاهی
با ایثار جان هم، بهای «آزادگی» را می پردازند و تن به ذلت
نمی دهند. امام حسین علیه السلام فرمود:

«مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ» (۲)؛ مرگ با عزت بهتر از
حیات ذلیلانه است.

این نگرش به زندگی، ویژه آزادگان است. نهضت عاشورا جلوه
بارزی از آزادگی در مورد امام حسین علیه السلام و خاندان و
یاران شهید اوست و اگر آزادگی نبود، امام تن به بیعت می داد و
کشته نمی شد. وقتی می خواستند به زور از آن حضرت بیعت به
نفع یزید بگیرند، منطقتش این بود که:

«لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيهِمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَ لَا أُقْرَأُ إِقْرَارَ الْعَبِيدِ» (۳)؛
نه به خدا سوگند؛ نه دست ذلت به آنان می دهم و نه چون بردگان
تسلیم حکومت آنان می شوم!

بر ما گمان بردگی زور برده اند

ای مرگ، همتی! که نخواهیم این قیود

